

جایزہ سارکہ مدرسہ فیضیہ نمبر

اقتباس از کتب و مجلات خارجی

جناب آقای احمد سعیدی

نویسنده محترم

دختران و پسران خود آرا

وشک و تردید آنها

آیا پسران و دخترانی که در عصر ما، بخود آرائی میبردازند، در آینده مادران و شوهران خوبی خواهند بود؟

نویسنده معروف آلمانی میگوید: وقتی من این قبیل جوانان را، که در خیابان از جلو پنجره اطاق خانه من میگذرند مشاهده میکنم، و سرو وضع مصنوعی آنها را، که مثل مانکن (زنی که کار روزانه اش، پوشیدن لباسهای تازه و رنگارنگ، برای جلب توجه مشتریان باشد) بدقت تماشا میکنم؛ از خود میپرسم، چگونه ممکن است، این پسران و دختران ده تا بیست ساله، در آینده زنان یا شوهران شایسته ای بشوند.

بسیاری از مردان و زنان سالخورده آلمانی دیگر هم، وقتی آن

جوانان را می‌بینند ، مثل من فکر میکنند ، سر خود را تکان میدهند ، شانه را بالا میاندازند ، و میگذرند ، تنها دامن باد کرده لباس ، یا باشنه بلند کفش ، یا کمر بند مخصوص ، یا موهای بالای سر جمع کرده آنها ، موجب تعجب نیست ، بلکه حرکات و رفتار آنها ، بیش از وضع ظاهرشان انسانرا متحیر میسازد ، و نمیتواند ، منظور آنها را از وضع ظاهری و باطنی آنها درست درک نماید . مردم آنها را ، غیر از زنان و مردان معمولی تصور میکنند .

نسلهای جوان گذشته ، سعی می کردند ؛ لااقل مورد پسند پدران یا مادرانشان بشوند ، اما نسل جوان امروز باین موضوع توجه ندارد ، و از اینکه رفتارش نسبت به بزرگتران زننده بوده ، و بر خورد داشته باشد ، هر گز اهمیت نمیدهد ، و احترام آنها را نگاه نمیدارد . جوانان آمال و آرزوهای زیاد دارند ، اما نمیدانند چه باید بکنند ، تا با آنها برسند ؛ با ادارات و سازمانها و آداب و رسوم کشور ، بی اعتنا و بد گمان هستند ، از طرف دیگر با وجود این جسارت و بی پروایی ، بخودشان هم اعتماد و اطمینان ندارند ، و غالباً زود از هر چیز سر میخورند و نا امید می شوند .

حالا باید دید و فهمید ، چرا جوانان عصر ما ، اینقدر شکناک و بدبین هستند ؟

هنوز جنگ دوم جهانی تمام نشده بود که يك عده از جوانان امروز بدنيا آمده اند ، بسیاری از آنان ، پدران خود را که در جنگ کشته شده ، ندیده اند ، وقتی طفل بودند ، مزه تلخ گرسنگی و سختی زیدگی

راچشیده اند .

بعضی از آنها تازه پیاورده سالگی رسیده بودند که در جنک شرکت جسته بدبختی، مناظره هولوئا کمرک انسان، و یرا نی شهرها بعداز جنک بازار سیاه، چیره بندی خوار بار، معامله جنس بجنس و نیاز مندبها رادیده اند . کتابخانه مدرسه فیضیه قم آدم محتاج و درمانده هم ، قانون نمیشناسد .

این حوادث ناگوار دوران جنک جهانی ، و نتایج بعداز آن، میل و رغبت جوانان را ببردک اصول و معتقدات صحیح دینی و اخلاقی ، که قرنها بر دماغ بشر حکومت میکرده ، نابود ساخته ، و ریشه آنرا سوزانده است .

جوانان امروز ، بهمه چیز وهمه کس سوء ظن دارند ، گاهی فکر میکنند اساساً چرا جنک جهانی ، یعنی این عمل زشت و وحشتناک ، رخ داد که در نتیجه تبلیغات سوء ، جمع کثیر بیگناه ب خاک و خون کشیده شوند ؛ یا عضوی از اعضاء بدن خود را از دست بدهند ؛ آنها جنک راعملی و حشیانه ، و از عادات حیوانات درنده ، میدانند ، پدران و مادران و بزرگتران خود را هم ، کم عقل میدانند ، در نتیجه این قبیل احساسات و تفکرات ، جوانان امروز بر اهنمایی و تعلیمات دینی پدران و آموز گاران یا مقررات مقامات رسمی کشور ، دیگر ایمان و اعتقادی ندارند ، و ترجیح میدهند که از مجامع بزرگتران ، و عادات و رسوم و قوانین جاری کشور ، خود را جدا و بر کنار نگاه دارند .

روحیه جوانان در باره دین و مذهب

یکی از پیشوایان مذهب کاتولیک که راهنمای جوانان است در کتاب خود، زیر عنوان «نسل شکاک» نوشته است:

فکر جوانان امروز، در موضوعهای دینی، خیلی باز روشن شده، و این روشنی فکر، در تمام جهات، بخوبی نمایان است، یعنی نه باصول بی دینی و خدانشناسی کارل مارکس متعقد است، و نه زود زیر بار قبول عقائد دینی پدران و مادران خود میرود، در باره دین و مذهب، با فکر باز، بدون الحاد و انکار، میخواهد بقدر امکان، تحقیق کند، از ذکر این جمله نباید تصور کرد، نسل حاضر، دیندار و مقدس شده، فقط نمیخواهد کور کورانه عقائد دینی پدران و مادران خود را بپذیرد، و بان ایمان آورد، جوان چهارده ساله ای نوشته است:

«من نمیخواهم بگویم، بیدین هستم، بلکه میگویم: فکرم باز شده، اگر کم یا بیش نسبت بموضوعهای دینی، بیگانه و عقائد مست شده، برای اینست که تعلیمات سطحی و مختصر دبستانی، و همچنین نشریات و مواعظ پیشوایان دین؛ دیگری مراقب و راضی نمیسازد، و در فضای خالی دماغ من، عقیده دیگر هم راه پیدا کرده است.»

شاگرد دیگر، یکی از دبیرستانها؛ نوشته است: «در اغلب جاها، بسبب قدیم، مواعظ دینی با ذکر مصائب پیشوایان دین مسیح مخلوط و حقیقتاً چیز عجیبی شده؛ در حالیکه این رویه، دور از اقتضای دوره و زمان ما است، البته این روش، مطابق سنت قدیم و معتقدات پیشوایان دین مسیح است،

اما آنچه امروز نسل جوان میخواهد، در آن بیانات و نشریات نیست و در فکر جوانان حساس و کنجکاو امروز، تأثیر بسزائی ندارد.

مطابق آماری که گرفته شده، در دورهٔ ما، ۴۳ درصد از جوانان نسبت بکلیساهای دین مسیح، و تشریفات و وعظی که در آنجاها صورت میگیرد، انتقاد میکنند.

۳۰ درصد آنها میگویند، که چون ایمان و اعتقاد موروثی خود را، از دست داده اند، بکلیساهای نمیروند، و در مراسم دینی، شرکت نمیجویند.

۲۷ درصد آنها اظهار میدارند؛ آداب دینی در مجامعی که تشکیل میشود، تشریفات و نمایش ظاهری بیش نیست، و چون حقیقتی ندارد، در قلبها اثر نمیکند، و نسبت بکشیشان و زعماء دینی، که اعمالشان برخلاف گفته هایشان است، همیشه انتقاد میکنند.

در بعضی از مجامع، پسران و دختران میل دارند، بلکه اصرار میکنند، با بزرگتر از خودشان بحث دینی کنند، در یکی از محافل دینی، جوانی، به بزرگتر از خود گفت: بایمان و استدلال قدیمی خودتان؛ دیگر نخواهید توانست، ما را معجز و متقاعد سازید، تازه، وقتی هم که از بیان اصطلاح و استدلال باشما و امثالتان، عاجز و درمانده و از شما جدا شویم، پیش خود خواهیم گفت: ما حرف آنها را نفهمیدیم، و آنها در ما را تشخیص ندادند، آنها دائماً مشغول امور دنیوی و جمع مال هستند، و ما را رها کرده اند، که خودمان در مباحث دینی وارد شویم، ما هم در موضوع خدا و زندگی در دنیا، همچنین، راجع به بزرگتران و رفتار و گفتارشان

گفتگوها میکنیم .

مادر دینای مخصوص بخودمان زندگی میکنیم، و آنها در دنیای خودشان ، و میتوان گفت: فکر آ ارتباطی باهم نداریم .

بزرگتران بچوانان معارض میگویند: مدت‌هاست ما شمارا بحال خود گذاشته‌ایم ، و خودمان مشغول مبارزه حزبی و سیاسی ، و حل مشکلات زندگانی هستیم ، و غالباً می‌اندیشیم ، فرصتی پیدا کنیم ، که بفکر شما بیفتیم ، و نگذاریم کارهای روزانه ، ما را همیشه بخود مشغول سازد ، البته بعدها در موضوعهای دینی توضیحاتی برای شما خواهیم داد ، مبنی بر اینکه مبدء موجودات کیست ، و چیست ؟ احکام الهی کدام است ؟

اما نسل جوان ، باین بیانات متقاعد نشده ، در مسائل دینی و مذهبی همچنان بحال شك و تردید باقی است .

نویسنده معروفی مینویسد : دعوت مبلغین دین مسیح ، برای پیدا کردن ایمان ، اساساً قابل فهم نیست . نسل جوان امروز میخواهد ، با اعتراضات و انتقادات او ، در مباحث دینی ، جواب صحیح و قانع کننده خالی از حشو و زوائد داده شود ، تا شك و تردیدش زائل گردد ، متأسفانه از آن همه تبلیغات و مواعظ دینی ، بسبب قدیم ، آثار و نتایج مفید و علمی ، در زندگانی روزانه خود نمیبیند .

بسیاری از جوانان در موضوعهای دینی و مذهبی ، بحال شك و تردید باقی و سرگردانند ، و اصل ثابت و محکمی در دست ندارند ، که بآن متوسل و متکی شوند ، و آرامش خاطر پیدا کنند ، و هر چند بیک مرتبه

دچار راهزنان و گمراه کنندگانی که آنها را بدین عقیده تازه و فریبنده می دعوت میکنند ، نشوند .

شك و تردید جوانان

در عصر ما ، نسل جوان ، دچار ترس و سرگردانی است ، دختری جوانی صاف و ساده ای میگفت: بسیاری از ما جوانان ، در خصوص دین و مذهب شك و تردید داریم ، و اصل محکم و ثابتی در دست نداریم ، که بآن متکی و دلخوش باشیم ، و چون از بیم تکفیر و تفسیق جرئت نمیکنیم ، مکنونات خاطر خود را بیان نمائیم بپوشیدن کفش و لباس نوظهور و تزئین و خود آرائی میپردازیم ، و باین ظاهر سازی و حرکات مخصوص میخوایم ، استقلال و اعتماد بنفس و شخصیت خود را نشان دهیم ، تا اظهار وجودی کرده باشیم .

جوانان میگویند: بزرگتران ، بخصوص رؤساء دینی ، برای یکمرتبه هم که شده باید با مهربانی و گرمی در موضوعهای دینی ، با ما سخن گویند: انتقادات و شبهات ما را بشنوند ، و بدون داشتن تعصب در اصول دینی آباء و اجدادی خود ، بایبانی ساده و خالی از اصطلاحات علمی و کلامی ، بما جواب بدهند ؛ و رفع شبه نمایند ، تا ما بمبانی و اصول دینی ، از روی قلب ، ایمان و اعتقاد پیدا کنیم ، و گرنه همیشه آنها در یکطرف جوی زندگانی خواهند نمود ، و ما در طرف دیگر ، مجله معروف Kristal نوشته است: جوانان در حال انتظار بسر میبرند برای چه ؟ برای کسیکه فکری بآنها بدهد ، و راهی پیش پای آنها

بگذارد، تابوانند از شك و تردید بیرون آیند، و بآن دلگرم شوند
یعنی بآنها فکرو عقیده تازه‌ای بدهد؛ و احتیاجات معنوی و آرزوهای
آنها را بر آورد، از ما توقع فهم و ادراک بمقتضای زمان دارند؛ بنابراین
این باید بکوشیم، بقدر امکان آنها را، بمنظورشان برسانیم.
حالا باید دید، بزرگتران برای آنها چه کرده‌اند، و در کجای
دنیا جوانان میتوانند، **نقطه اتکاء ثابت، خط مشی صحیح،**
امنیت خاطر؛ پیدا کنند و همیشه امیدوار باشند، مسلماً
نخواهند توانست، منظور خود را بین نظامیان جاه طلب، سیا سیون
فاسد، بازرگانان حریص، یا بعضی از روحانیون که بسبک قدیم،
تبلیغ دین میکنند، پیدا کنند، در عین حال آنها میدانند، که بابتی
اعتنائی بعقائد دینی پدران و مادران، و رؤسای دینی، آنها نخواهند
توانست، راه صحیحی برای حل مشکلات خود پیدا کنند.
جوانان باحالت یأس و نومیدی، در جستجوی افکار و عقائد
تازه دینی، یافتن راه صحیح هستند، و در حقیقت، در تمام دنیای پر
آشوب امروز، بشر بیافتن چنین راهی که از خشو و زوائد پیراسته باشد
بخصوص به ایمان راسخ و امیدواری نیاز فراوان دارد، بالاین وضع،
جوانان امروز که مردان آینده دنیا هستند نمیدانند بکجا رو آورند
تأدد خود را درمان کنند، و بمطلوب خود برسند. «پایان»



خواننده محترم! ملاحظه فرمودید، چگونه جوانان اروپا، از

وضع کلیساها ناراضی هستند؟ چگونه بدنبال اشباع و ارضاء حس مذهبی خود میگردند؟ چگونه احساس يك خلاء فکری و مذهبی میکنند؟ چگونه احساس کرده اند که این همه خود آرائی و تجمل و عیاشی، باری ازدوش آنها برنمیدارد و دردی از آنها دو انمیکند؟

آنها گمشده دارند، پناهگاه فکری و معنوی میخواهند، آرامش دل میخواهند، دستگا ههای مفصل و منظم کلیسا، نتوانسته آنها را رام و امید وار سازد، سوء روش تبلیغی، و نداشتن مواد و اصول قانع کننده مذهبی، آنان را نسبت بروش آباء و اجدادی خود جسور کرده و

زبان آنها را بانتقاد باز نموده است. ^{کتابخانه مدرسه فیضیه قم} آیا بنظر شما اسلام نمیتواند این خلاء را پر کند و این حس را ارضاء کند، آیا اگر مبلغینی مطلع، آزموده، روشن باو ضاع، باین صدد میافتادند، و خود را مجهز میکردند، خوب نبود؟ آیا اسلام در ممالک اروپا زمینه ندارد؟ کی آزموده ایم تا به بینیم تبلیغ اسلام در آنجا عملی است یا خیر؟ و آیا اصلاً مسئله اعزام مبلغ بخارج باید مورد مطالعه باشد یا فعلاً مجالش نیست ...؟ ...

ممکن است خواننده بگوید: عین این اضطراب روحی و خلاء فکری، در جوانان خودمان هم هست، چرا اینان با اسلام و تبلیغات مذهبی اشباع نشده اند...؟ باید گفت: او لا هنوز زود است که جوانان ما این احساس را بکنند، چون اینان تازه بدوران رسیده اند، و با مظاهر تمدن و تجملات، تازه رو بر و شده اند، آنچنان هم خیره و مرعوب شده اند، که راهی جز این تصور نمیکند، دیگر ان مدتها است از این راهها رفته اند،

کتابخانه
مکتب تشیع
مدرسه فیضیه قم
تاسیس ۱۳۰۲

و کم کم خسته شده اند و کم و بیش احساس دیگری هم میکنند، اینان تازه میبینند، و در قدمهای اولیه اند تا کی بروند و سرخورند، و خسته شوند؟ و آیا پس از درک و توجه، پایه‌ای از کاخ معارف اخلاقی ماباقی مانده باشد یا ساقط شده باشیم؟ خدا میداند.

و آنگهی گیرم این خلاء فکری و این احساس هم باشد، باید اعتراف کنیم که بنحو اشباع کننده و مقتضی، حقائق اسلامی عرضه نشده، راههای تبلیغی محدود و اغلب غیر منطبق با اصول احتیاجات فکری است در اروپا، کلیساها بهره‌جو که توانستند، عرضه کردند و خیلی هم خوب عرضه کردند و با فشاری نمودند، ولی ماده و مایه ندارند، ماده و مبنی محکم داریم و اصول اشباع کننده، ولی عرضه ناقص است و راهها محدود. تقصیر از کیست؟ نمیدانم. «مکتب تشیع»